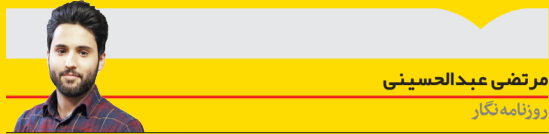




## تحلیل نظام بانکداری کشور در گفت‌وگوی «فرهیختگان» با عباس دادجوی توکلی

## ۶ پیشنهاد به مجلس یازدهم برای اصلاح نظام بانکی



مرتضی عبدالحسینی

روزنامه‌نگار

سال‌هاست در همایش‌ها و گفت‌وگوهای متفاوت، فهرست‌های بلندبالایی از مشکلاتی که بانک‌ها با آن مواجه هستند و چالش‌هایی که بانک‌ها خلق‌کننده‌اند، صحبت می‌شود. بی‌نتیجه بودن این تلاش‌ها عمدتاً ناشی از عدم تفاهم بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر بر سیستم بانکی با وزارت اقتصاد به عنوان نماینده اقتصادی دولت و همچنین کشمکش‌های فراوان دو نهاد مذکور با سیستم بانکی است. از آن جهت که در چهار دهه اخیر مسائل و مصائب بانکداری به کرات مطرح شده و هم‌زمان از راهکارهای اصلاح آن سخن گفته شده، اما این تلاش‌ها همواره تقریباً بی‌نتیجه بوده است. به نظر نمی‌رسد که علت تأخیر در این روند، نبود پتانسیل علمی و میانی مساعد نظری باشد بلکه آنچه بیشتر به چشم آمده، حضور ذی‌نفعان و تعارض منافع بسیار در این بی‌بساطی شبکه بانکی است. سال‌هاست که در پرده اول فساد در سیستم بانکی و خسارت‌های آن به اقتصاد از دولتی بودن تعدادی از بازیگران این شبکه به عنوان دلیل اصلی یاد می‌شود، اما به نظر می‌رسد در سیستم بانکی نیز همانند دیگر بخش‌های اقتصاد ایران، فساد هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی وجود دارد. در موضوع فساد نظام بانکی ایران با دو طیف از بانک‌ها مواجه هستیم:

مورد اول بانک‌های دولتی که چندان متر و معیار بانکداری استاندارد برای آنها اهمیتی ندارد و در صورت هرگونه اتفاق، بانک مرکزی با مدیریت پدرسلا ارائه به نمایندگی از دولت و دستگاه اقتصادی او به رفع چالش می‌پردازد. همچنین در این گروه از بانک‌ها تلاشی برای اصلاح لاقابل از سوی خود بانک‌ها وجود ندارد، چرا که در هر صورت حمایت خواهند شد. گروه دوم از این شبکه، بانک‌هایی هستند که خود نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ بانک‌هایی که رسماً در گذشته دولتی بوده‌اند و اسماً مدتی است در فرآیندهایی نامعلوم خصوصی شده‌اند و بانک‌هایی که واقعاً خصوصی هستند و یک واحد زیان از دید مسئولان آن دور نمی‌ماند. البته این بانک‌ها در صورت زیان دهی و کمبود نقدینگی، در نهایت از سوی بانک مرکزی حمایت شده و به چرخه بانکی بازگشته‌اند. مرور صورت‌های مالی بانکداران خصوصی و دولتی به خوبی نشان می‌دهد زیان‌دهی، تشدید خلق نقدینگی، عدم تسهیلات‌دهی با کیفیت و... ویژگی‌های مشترک اغلب این بانک‌هاست. مسأله آنجا پیچیده می‌شود که بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر و در واقع بانک بانک‌ها، در این سال‌ها مجبور به حمایت‌های اجباری از این سیستم بوده و هر از چندگاهی با درمان‌های

معنی است که بانک‌ها برای اینکه نقدینگی مورد نیاز خود و بنگاه‌های خود و مشتریان دانه‌درشت را برای مصادیق پربازده ذکر کرده خلق کنند، محدود به ذخایری که نزد بانک مرکزی دارند، نیستند و بدون توجه به ذخایر خود و ارزش آن یا در مواردی حتی بدون داشتن ذخایر اقدام به خلق نقدینگی کرده و سپس ذخایر مورد نیاز خود را در بازار بین بانکی یا از بانک مرکزی استقراض کرده یا پیشنهاد سود بالاتر، اقدام به جذب سپرده و در نهایت ذخائر مورد نیاز می‌کنند. بازدهی بالای برخی بانک‌های خصوصی تأسیس شده در دهه ۹۰ آنچنان بالاست که تا آنجا می‌رسد که تا مابین مالی انواع منابع اعم از سپرده، بازار بین بانکی و بانک مرکزی تا نرخ ۳۱ درصد هم توجیه اقتصادی برایشان دارد.

سواً فضای غیرتحریمی تا اوائل دهه ۹۰، حتی طی سال‌های اخیر پس از تحریم که سهم سود پرداختی به سپرده‌ها از خلق سپرده افزایشی و غالب بوده و کل ظرفیت افزایش در نقدینگی قطعی می‌تواند جهت پرداخت بهره باشد و رشد طرف دارایی بانک‌ها بدون شکل‌گیری جریان جدید از خلق ارزش، بسط یافته که این بسط عمدتاً محصول استمهال دفتری مطالبات قبلی است، بانک‌هایی که سودهای بسیار بالا پرداخت می‌کنند، در واقع آنها در حال افزایش نقدینگی هستند، اما ذخایر کافی نزد بانک مرکزی برای حتی رفع تعهد سپرده قانونی نداشته و ندارند و اقدام به اضافه برداشت از بانک مرکزی می‌کنند. در کل در سیستم بانکداری ایران فرآیند «ذخیره-سپرده-مصادیق خلق پول (برای نمونه وام)» به صورت معکوسی «وام یا هر نوع مصادیق خلق پول-سپرده-ذخائر» طی می‌شود که نتیجه آن چیزی جز توطئه نقدینگی نیست.

## ۹۰ درصد مردم به وام دسترسی ندارند

همان‌طور که گفته شد، در مورد خلق پول و عوامل آن صحبت کافی شده است، اما از «محوپول» به دلیل نگاه غلط به سیستم بانکداری کمتر گفته می‌شود، چرا که در تعریف غلط و نگاه نادرست به بانکداری، بانک به عنوان واسطه مالی فرض شده و برای پول نیز ریشه کالایی مدنظر قرار می‌گیرد. پس در این صورت «کالا» امکان محو شدن نخواهد داشت، حتی اگر آن کالا پول باشد.

اما اگر بتوانیم نگاه اعتباری به پول را تقویت کنیم، صحبت از محوپول آنچنان بیهوده نخواهد بود. دلیل آن هم این است که کارآمد شدن اقتصاد، نیازمند تولید است و این مسیر نیاز به پول را ایجاد می‌کند. به‌طور ساده می‌توان گفت به دلیل نیاز تولید به منابع مالی، پول از مسیر وام‌دهی و سرمایه‌گذاری کار خود را آغاز می‌کند و وارد بنگاه‌های تولیدی شده و هم‌زمان از آن پول، مواد اولیه برای ساخت محصول نهایی خریداری شده و دستمزد کارگران و باقی امور انجام می‌شود، نهایت امر نیز کالای تولید شده بنگاه در بازار به مشتریان فروخته شده و نقدینگی به بنگاه برمی‌گردد و در ادامه آن قسمتی از نقدینگی به سرمایه‌گذاران و وام‌دهندگان اولیه که بانک‌ها باشند، باز پرداخت شده (محو شده) و چرخه سالم و استاندارد اقتصاد رایج وجود می‌آورد. اما در اقتصاد ایران عمدتاً ضابطه‌ها با تقاضا و دریافت وام، آن‌را به جای انتقال به بخش مولد و حقیقی، صرف امور سفته‌بازانه یا همان دلالی محترمانه می‌کنند که در نهایت این زنجیره رفاقی نیز، بازپرداختی به بانک‌ها انجام نمی‌شود.

در نتیجه این وام‌دهی‌های سفته‌بازانه به برخی ابهامات در خصوص بازار پولی کشور، نگاه اقتصاددانان را به سمت و سوی «قدرت خلق پول از هیچ بانک‌ها» برای مقاصد پربازده خود و مشتریان خاص آنها و توزیع عمومی ریسک این کار و همگانی کردن آن به سوی حاکمیت و جامعه، سوق می‌دهد. به راستی چرا در اقتصادی که طی دهه اخیر، عمدتاً سرمایه‌گذاری حقیقی مولد نداشته و بازدهی در سرمایه‌گذاری تولیدمحور تا حد کم است، برای فعالیت بانکداری و تأسیس بانک چنین رغبتی وجود دارد؟ چرا بنگاهداری بانک‌ها به خصوص در حوزه مسکن و بازرگانی خارجی چنین رونق یافت؟

ساختار نا عادلانه رشد خلق پول در ایران، براساس الگوی خصوصی سازی بانکی دهه ۸۰ است. در این دوره درآمدهای نفتی رشد قابل توجهی داشت و رونق نسبی همراه با تورم در اقتصاد برقرار بود که زمینه فعالیت سفته‌بازانه در بخش مستغلات و بازرگانی خارجی را به دلیل سرکوب نرخ حقیقی ارز، ایجاد و تقویت کرد و توانست عیوب خود را در کسب منفعت بدون خلق ارزش پنهان سازد. این گزاره به این

مقطعی به کمک آن رسیده است. راه غلطی که ادامه آن عمیق شدن زخم‌های اقتصادی کشور است.

## اصلاح ساختار بانکی مهم‌ترین چالش اقتصاد ایران

از آنجا که تنها کمتر از چهار ماه به انتهای عمر مجلس دهم باقی مانده، بررسی عملکرد نزدیک به چهار ساله این مجلس می‌تواند چشم‌اندازی از میزان مواجهه این نهاد قانونگذاری-نظارتی با چالش‌های نظام بانکی را مشخص کند. در این زمینه بررسی‌ها نشان می‌دهد مجلس دهم در طول نزدیک به چهار سال عمر خود، تنها در دو مصوبه به صورت مستقیم به سیستم بانکداری پرداخته. اولی قانون اصلاح صدور چک است که آذر سال ۹۷ تصویب شده و دومی تسهیل تسویه‌بدهی بدهکاران شبکه بانکی است که دی‌ماه سال جاری مجلس به آن ورود کرده است. مورد سوم، مربوط به «لایحه اصلاح قانون پولی و بانکی کشور» است که از دوره مجلس نهم به نمایندگان مجلس ارائه شده بود، اما تا اواخر آذرماه سال جاری که مجلس دهم آن را تصویب کرد، همچنان در راهروهای مجلس خاک می‌خورد. در مورد تصویب این لایحه به نظر می‌رسد همراهی نمایندگان برای تصویب این

آنکه این رقم در اصل بسیار بالاتر از این عدد و حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد است. حال این سوال مطرح می‌شود که بانک مرکزی با تکیه بر همین داده‌ها و اطلاعات پرخطای خود اقدام به سیاستگذاری می‌کند یا خود نیز از واقعیت ماجرا اطلاع دارد؟

پس می‌توانیم نتیجه بگیریم که مطالبات غیرجاری و امهال بی‌دری آن، در شبکه بانکی تبدیل به بازیگری برای تراز کردن ترازنامه‌ها شده است، به این صورت که طرف بدهی‌ها ناشی از سود سپرده‌ها روزبه‌روز در حال افزایش است و از آن طرف در کنار بیش از رشد‌گذاری دارایی‌های ثابت، مطالبات غیرجاری که محال است به بانک برگردد، به‌طور دائمی امهال می‌شود و همه چیز را عادی جلوه می‌دهند. جالب اینکه در بانکداری مدرن مطالباتی که ۱۸۰ روز از سررسید آن گذشته و بازنگشته است، سوخت می‌شود، اما در سیستم ما بعضاً ۱۲ سال هم این مطالبات امهال می‌شوند و تا قبل از سال ۱۳۹۵ حتی روی آن درآمد نیز شناسایی و سود آن توزیع می‌شد!

## چرا بانک‌ها عاشق شرکت‌های تودرتو هستند؟

بانک‌ها در طرف دارایی خود اقلام دارایی گوناگون همچون تسهیلات، سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های با فعالیت بانکی و غیربانکی، انواع اوراق و... دارند. این سپد می‌تواند، سیدی پربازده و همچنین قابل رصد برای نهاد ناظر باشد، اما در دهه ۹۰ به دلیل رکود حاکم بر اقتصاد و پربازده نبودن فعالیت‌های مولد، سید دارایی بانک‌های خصوصی و خصوصی شده شکل بنگاهداری به خود گرفته که این بنگاهداری در طول چند سال اخیر با تکیه بر مستغلات و مسکن و همچنین تجارت خارجی انجام شده است و بیش از نیمی از بنگاه‌های وابسته به این شبکه در همین صنف قرار می‌گیرند که برخلاف ادعای آنها عمده علت ورود به چنین بازاری، در اثر ابتکار خودشان و نه در اثر انفعال بوده است. دلیل اصلی تمایل بانک‌ها به سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های با فعالیت غیربانکی، اختلاف درآمدزایی از مسیر اعطای وام و بنگاهداری به معنی ورود مستقیم بانک به فعالیت اقتصادی است. درآمد بانک‌ها از مسیر اعطای وام به دلیل مطالبات غیرجاری و دیگر مشکلات همچنین زیر ذره‌بین بودن، سوخته نیست. ولی خرید اموال و ورود مستقیم به کسب و کارهای اقتصادی، به دلیل تورم بالا و دیگر شرایطی که بر اقتصاد کشور حاکم است، سوخته‌تر است و به عبارتی دیگر دلالی گسترده برای بانک‌ها سهل‌تر و سوخته‌تر است که آنها را به سمت ویلاسازی و برج‌سازی چند ده میلیاردی که از قضا منجر به حباب‌سازی در قیمت آن نیز می‌شود، سوق می‌دهد. در نتیجه صورت‌سازی برای این فعالیت‌های غیرمولد که بخش اعظمی از آن توسط شرکت‌های تودرتو شبکه بانکی انجام می‌شود، هم آسان‌تر از شفافیت عملکردی و هم پرسودتر برای آنهاست.

## مردم از بریز و بپاش سیستم بانکی بی‌نصیب هستند

نحوه تسهیلات‌دهی از آن‌رو اهمیت پیدا می‌کند که چه حجمی از تسهیلات و با چه قیمتی (بهره) در اختیار آحاد جامعه قرار بگیرد. با توجه به نظام اعتبارسنجی اعتباری بانک‌ها و مکانیسم رانتی اخذ تسهیلات، حتی اگر نرخ سود تسهیلات بانکی تک‌رقمی شود، هیچ تضمینی نیست که متقاضیان وجوه که بخش مولد اقتصاد را می‌گردانند به راحتی به اعتبار دسترسی داشته باشند، کم‌اینکه مشاهده می‌شود مکانیسم جدید اعتباردهی بانک‌ها، وام‌دهی براساس سپرده‌گذاری پیشینی است! در سیستم بانکی کشور ما مانند سایر نقاط جهان، «از هیچ پول» خلق شده، اما قسمت عمده‌ای از آن

به بخش مولد پرداخت نشده است. در چند سال اخیر بخش اعظمی از تسهیلات به بنگاه‌های وابسته به بانک‌ها که همان‌طور که گفته شد- عمدتاً در زمینه‌های مستغلات و تجارت خارجی فعال هستند، پرداخت شده است. در نمونه‌های دیگر هم شاهد پرداخت تسهیلات سنگین و با سود صفر درصد به «مدیران بانکی» هستیم که رفتار توزیع نا عادلانه ثروت را بیش از پیش نشان می‌دهد. حتی بعضاً بانک‌هایی که در مصارف مشاع خود دچار زیان شده‌اند، سرفصل تسهیلات کارکنان را که نسبت NPL پایینی دارد و محل درج آن مصارف مشاع نبوده را در بخش تسهیلات مشاع درج کرده و این نوع تخلفات در صورت‌های مالی جهت نشان دادن مصارف بانک‌ها نیز جای بررسی دارد. همچنین درک برطرف نشدن نیازهای فوری جامعه‌ما از تسهیلات بانکی کار سختی نیست، چرا که متأسفانه نرخ بهره بازار غیررسمی در چند سال اخیر با سرعت بالایی حرکت کرده است.

## نروم تسریع در روند اعطای وام بانکی نظامی

یکی دیگر از چالش‌های نظام بانکی، موضوع ادغام بانک‌های نظامی است که از سال ۱۳۹۷ اقدامات اولیه آن شروع شده است. در این ادغام، رعایت استانداردهای بانکداری چنگی به دل نمی‌زند، چرا که این بانک‌ها از سوی بانک مرکزی مجوز خلق پول دریافت کرده‌اند پس می‌توانند از آن در راه تأمین مالی بخش دولتی، نظامی و خصوصی استفاده کنند، اما بعضاً برخی از این بانک‌ها صرفاً برای تأمین مالی پروژه‌های خودی و پرداخت حقوق کارمندان تأسیس شده‌اند. شیوه بانکداری غلط در این بانک‌ها منجر شده است که به‌طور مثال نسبت تسهیلات به سپرده، بسیار پایین‌تر از استانداردهای بین‌المللی قرار گیرد. نتیجه زیر سوال رفتن فلسفه بانکداری در برخی از این بانک‌ها، عدم راه‌اندازی پروژه‌های مولد و حمایت از آنهاست. البته اگر خبر ادغام چند بانک نظامی تحت عنوان یک بانک متمرکز به مرحله اجرا برسد، می‌توان امیدوار به شکل‌گیری نظم و انجام فعالیت‌های هدفمند ماند.

## پیشنهادها برای بی‌بیمجلسی‌ها

- نقص بزرگی که در کشور ما وجود دارد این است که به ندرت از چستی نظام بانکداری در ایران و نقش خالق مالی بودن به جای واسطه مالی بودن آن صحبت شده است. مجلس به عنوان نهاد قانونگذار و همچنین ناظر می‌تواند با بررسی صورت‌های بانکی، لایه به لایه مصادیق درون‌زایی آن را استخراج کرده و از طرف دیگری بر فرآیند این نظام بانکی تسلط کامل داشته باشد که البته هدف مذکور در قالب پیشنهادها زیر قابل دسترسی است:
- ۱- شناسایی کامل سیستم بانکداری و در عین حال معرفی آن به آحاد جامعه، اتفاقی که در سال‌های اخیر رخ نداده است.
- ۲- نقش نظارتی چه در حوزه حسابداری و چه در حوزه بانک مرکزی را تقویت کرده، به‌طوری که بتوان از طریق آن راه‌های خلق پول از هیچ به صورت نامولد و بی‌کیفیت را بست و مشکل تعارض منافع را حل کرد.
- ۳- انتصاب و انتخاب مدیران شایسته در حوزه‌های اقتصادی و بانکداری،
- ۴- شناخت ادبیات بانکداری در جهان و بررسی نمونه‌های موفقیت‌آمیز از اصلاحات گسترده در سیستم بانکی،
- ۵- بومی‌سازی و محیطی کردن مبانی موجود در علم روز دنیا بدون داشتن تعصب نسبت به مکتبی خاص و سیاستگذاری از این طریق،
- ۶- همکاری گسترده با نهادهای قضایی و امنیتی برای شناسایی و پیگیری تخلف بدهکاران بزرگ بانکی.

پی‌نوشت:

پول: رسید بدهی نظام بانکی به دارنده پول است، برای همین بابت نگهداری آن، می‌توانیم سود دریافت کنیم. در واقع پولی که در جیب یا حساب سپرده بانکی موجود است، نشانگر بدهی نظام بانکی به دارنده آن است. پایه پولی: بدهی بانک مرکزی است. نقدینگی: مجموع بدهی بانک مرکزی و بدهی بانک‌های خصوصی و دولتی است.

